

آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در میراث مکتوب امامی

[محمد کرمانی کجور* / رسول چگینی**]

■ چکیده

آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) با قید کیفی همگون و همراه با آفرینش نوری رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، از موارد کاربرد واژگانی نور در میراث مکتوب اسلامی بوده و داده‌های آن در میراث مکتوب امامی در دو ساحت کلان گزارشهای ماثور و رویکردهای عالمان آن، جلوه‌گر گشته است. گزارش‌های مربوط به این موضوع را - که حدیث نور نیز خوانده شده - در بسیاری از معتبرترین میراث‌های مکتوب امامی - با وجود جریان‌های متنوع حدیثی و کلامی در میان مؤلفان آن‌ها - می‌توان مشاهده کرد. تنها مسندهای آن با دست‌کم هجده طریق، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نیز برخی امامان معصوم (علیهم السلام) قابل دسترسی است که بر پایه معیارهای سنجش اعتبار حدیث، در دسته‌والاترین گونه حدیثی یعنی «احادیث متواتر» طبقه‌بندی می‌کردند. در ساحت رویکردهای عالمان امامی در میراث مذکور، علاوه بر همگرایی با ساحت گزارش‌ها، کارکردهایی نیز از آن به ثبت رسیده که از آن جمله می‌توان به کارکردهای تاریخی، کلامی و تفسیری اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: نور؛ امامی؛ امیرالمؤمنین؛ آفرینش نوری؛ میراث مکتوب

*. دانش آموخته خارج حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد تاریخ اسلام، مدرس مرکز تخصصی امامت اهل بیت (علیهم السلام)
**. کارشناس ارشد معارف اسلامی، پژوهشگر

■ مقدمه

واژه نور در ادبیات ادیان آسمانی سهم به‌سزایی در ساحت داده‌های وحیانی آن‌ها داشته است؛ به‌گونه‌ای که حتی با نگاهی گذرا به ادبیات مکتوب این ادیان،^۱ به آسانی رهیافت این واژه و گونه‌های متنوع آن در سطحی گسترده قابل احصاست. اگرچه این گستره وسیع واژگانی در میراث ماثور اسلامی و نیز دشواری خاص مباحث این‌چنینی در مجموعه گزاره‌های وحیانی، افق روشنی را فراروی پژوهش‌های این ساحت قرار نداده و پرداخت عالمانه بدان راه، در راستای تعریف مفهومی و ارائه گونه‌ها و طبقه‌بندی داده‌ها و حتی کارکردهای آن، با کندی و گاه ایستایی، همراه نموده است، اما داده‌های کلان آن ارزش ویژه‌ای دارند؛ تا جایی که دست کم پاره‌ای از داده‌های آن، کارکردهای خاصی را در منظومه دانش‌های اسلامی، رقم زده‌اند.^۲

نوشتار حاضر با توجه به خلأ یاد شده، در راستای ورود منطقی به داده‌های اصیل خود، در گستره نیازمندی نوشتار خویش و بر منطق داده‌های باز یافته در میراث مکتوب اسلامی، ابتدا به کارکرد واژگانی نور از منظر دو گانگی پدیده‌های نوری و نیز تنوع موطنی آن‌ها و سپس سطح فضیلت نمایانی گونه مورد نظر آن در منظومه فضایل معصومان (علیهم‌السلام) می‌پردازد. آنگاه این داده‌های اصیل را در دو ساحت گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و رویکرد عالمان امامی بدان‌ها، به سامان خواهد رساند.

الف) پاره‌ای از کارکردهای واژگانی نور در میراث مکتوب اسلامی

این واژه در میراث مکتوب اسلامی - بر پایه کاوش‌های نگارنده - دست کم در دو گونه وجود نوری غیر وابسته^۳ مانند رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)،^۴ امام^۵ و قرآن^۶ که می‌توان نام آفرینش نوری بر آن

۱. مثلاً ر.ک: مجمع‌الکنائس الشرقیة، الکتاب المقدس، انجیل یوحنا، ۳۳۱ و اعمال الرسل، ۴۳۷.

۲. ر.ک: همین مقاله، بخش رویکرد عالمان امامی.

۳. ر.ک: خواجه‌ی، جامع‌الشتات، ۱۰۸.

۴. کلینی، کافی، ۱/ ۱۸۵.

۵. همان، ۱/ ۱۹۴ و ۱۹۵.

۶. مائده/ ۱۵؛ اعراف/ ۱۵۷؛ نساء/ ۱۷۴؛ التغابن/ ۸.

نهاد و نیز وجود نوری وابسته همچون امامت در امام،^۱ نور ولادت امام (علیه السلام)،^۲ نور اسلام،^۳ نور حج،^۴ نور نماز گزار در گستره حیات این جهانی^۵ و نور ابوطالب (علیه السلام) در قیامت،^۶ به کار رفته است. بر این پایه، آفرینش نوری، خود گونه‌ای وجود غیر وابسته است و در میراث مکتوب اسلامی با عباراتی که گویای عدم وابستگی است مانند: «فَكُنَّا نَحْنُ خَلْقًا وَبَشَرًا نُورَانِيْن لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ الَّذِي خَلَقْنَا مِنْهُ نَصِيْبًا»^۷ «كنت أنا وعلي نوراً بين يدي الله»^۸ در کنار تعبیری چون: «يوم يقول المنافقون والمنافقات للذين آمنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورا»^۹ «والذين آمنوا بالله ورسله أولئك هم الصديقون والشهداء عند ربهم لهم أجرهم ونورهم»^{۱۰}، «يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين أيديهم وبأيمانهم»^{۱۱} «والذين آمنوا معه نورهم يسعى بين أيديهم وبأيمانهم يقولون ربنا أتمم لنا نورنا»^{۱۲} «إن نور أبي طالب يوم القيامة ليطفى أنوار الخلق إلا خمسة أنوار»^{۱۳} «الابشر المشائين في الظلمات إلى المساجد بالنور الساطع يوم القيامة»^{۱۴} و «إن المؤمن ليزهر نوره لأهل السماء كما تزهو نجوم السماء لأهل الأرض»^{۱۵} که گویای گونه وابسته در کاربرد واژگانی نور می‌باشد، انعکاس یافته است.

۱. کلینی، کافی، ۱/ ۱۹۶.

۲. همان، ۱/ ۳۸۸.

۳. همان، ۱/ ۳۷۶.

۴. برقی، محاسن، ۱/ ۷۱؛ کلینی، همان، ۴/ ۲۵۵.

۵. ابو یعلی، مسند، ۶/ ۳۳۰؛ طبرانی، معجم الکبیر، ۱۹/ ۱۴۱؛ ابن سلامه، مسند الشهاب، ۱/ ۱۱۸.

۶. طوسی، امالی، ۷۰۲.

۷. کلینی، کافی، ۱/ ۳۸۹.

۸. راوندی، الخرائج والجرائح، ۲/ ۸۳۸؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ۱۱۶.

۹. حدید/ ۱۳.

۱۰. حدید/ ۱۹.

۱۱. حدید/ ۱۲.

۱۲. تحریم/ ۸.

۱۳. قمی، مائة منقبة، ۱۷۴؛ کراچکی، کنز الفوائد، ۸۰؛ طوسی، امالی، ۳۰۵.

۱۴. برقی، محاسن، ۱/ ۴۷.

۱۵. حسین بن سعید، کتاب المؤمن، ۲۹.

ب: تنوع موطنی پدیده‌های نوری

داده‌هایی که وجودهای نوری غیروابسته را پوشش می‌دهند، تنوعی را از منظر موطن این وجودها نیز انعکاس داده‌اند؛ زیرا برخی از آن‌ها مربوط به وجودی نوری پیش از ظهور این جهانی آن هستند که می‌توان آن را وجود نوری پیشین نامید؛ همچون آفرینش نوری امام.^۱ بخشی دیگر نیز وجود نوری کنونی را گزارش می‌کنند که می‌توان نام وجود نوری جاری بر آن گذارد؛ از جمله امام عصر (عج) با توجه به آنکه امام در میراث مأثور امامی در تعامل با سایرین، نور خوانده شده است^۲ و پاره‌ای نیز از برخی وجودهای نوری پس از این جهان^۳ خبر می‌دهند، می‌توان این دسته دوم را وجود نوری پسین نام نهاد.

ج: سطح فضیلت نمایی آفرینش نوری

از سوی دیگر با توجه به نمود ویژه فضیلت‌نمایی هر دو گونه وابسته و غیروابسته و برتری نمایان آفرینش غیروابسته بر گونه وابسته و همچنین ملاحظه اینکه برپایه داده‌های موجود، رسول خدا و امامان (ع) علاوه بر برخورداری از گونه وابسته، از گونه غیروابسته نیز بهره‌مند بوده‌اند، واکاوی سطح فضیلتی آفرینش نوری ایشان، ضروری به نظر می‌رسد؛ اگرچه امروزه داده‌های خرد آفرینش نوری غیروابسته معصومان (ع) پیش از آفرینش آدم و نیز همگن و همگام با آفرینش نوری رسول خدا (ص)، دشوار و گاه دست نیافتنی می‌نماید، دست کم پاره‌ای از داده‌های کلان آن، از جمله سطح فضیلت‌نمایی، از منظر کمی و نیز کیفی شفاف بوده و سطوحی از بررسی را برمی‌تابد.

بر این اساس به نظر می‌رسد، از کلان‌ترین منظر، بر پایه داده‌های منعکس در قرآن و احادیث مأثور معتبر، می‌توان تقسیمی ثنایی از فضایل معصومان (ع)، ارائه نمود و آنها را به‌طور مشترک

۱. نک: همین مقاله بخش گزارش‌ها.

۲. کلینی، کافی، ۱/۱۹۴ و ۱۹۵.

۳. قمی، مائتة منقبة، ۱۷۴؛ کراجکی، کنز الفوائد، ۸۰؛ طوسی، امالی، ۳۰۵.

۴. نک: همین مقاله بخش گزارش‌ها.

در میان همه معصومان علیهم السلام یا تعدادی از ایشان ^۲ و یا اختصاصی هر معصوم علیه السلام طبقه‌بندی کرد و آنگاه از قسم نخستین، از زاویه مطالعه تطبیقی با اعضای خارج از این مجموعه، اعم از پیامبران، اوصیای پیشین و سایرین و نیز سطح کیفی این ویژگی‌ها، تقسیمی ثلاثی، باز بر منطق داده‌های انعکاس یافته، ارائه و چنین گزارش نمود:

نخست: فضایل مشترکی که امکان برخورداری سایرین از هیچ سطحی از آن وجود ندارد؛^۴ دوم: فضایی که برخی پیامبران پیشین و یا اوصیای آنان از سطحی از آن بهره‌مند بوده‌اند؛^۵ سوم: فضایی که برخی از غیر پیامبران و اوصیای ایشان که از برجستگی ایمانی مشهودی برخوردارند، از سطحی از آن بهره‌مندند.^۶

بر این اساس سطح آفرینش نوری امامان علیهم السلام با قید کیفی وحدت^۷ در آفرینش نوری با رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا دست کم، همراهی در آفرینش نوری با آن حضرت و نیز قید کمی پیشگامی چشمگیر بر آفرینش آدم علیه السلام، بر پایه تقسیم اول، در دسته فضایل مشترک معصومان علیهم السلام جای گرفته و برپایه تقسیم دوم، سطحی دست‌نیافتنی را رقم زده است؛ اگرچه امکان برخورداری برجستگی را در سطحی نازل تر - و البته بدون قید کیفی فوق - برمی‌تابد.

نتیجه اینکه برپایه دوگانگی پدیده‌های نوری و تنوع مواطن آن‌ها در داده‌های ماثور و نیز تقسیم طولی ارائه‌شده از فضایل معصومان علیهم السلام و بررسی سطوح آن‌ها، می‌توان آفرینش نوری معصومان علیهم السلام را آفرینشی غیروابسته، پیشینی و برخوردار از سطحی دست‌نیافتنی، تعریف و طبقه‌بندی نمود.

این نوشتار از میان آفرینش نوری معصومان علیهم السلام، نگاه خویش را به‌طور خاص به بررسی آفرینش

۱. به عنوان نمونه می‌توان به گونه خاص ولادت معصومان علیهم السلام اشاره نمود (کلینی، کافی، ۱/ ۳۸۸).
۲. به عنوان نمونه می‌توان از اخوت رسول خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام در دنیا و آخرت یاد کرد که بنا بر برخی از احادیث از آن به عنوان خصوصیت انحصاری این دو معصوم یاد شده است (طبری، بشاره المصطفی، ۱۲۹).
۳. از جمله می‌توان به ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در کعبه و ورود اعجازگونه مادر ایشان به این مکان مقدس اشاره نمود (صدوق، امالی، ۱۹۵؛ صدوق، علل الشرائع، ۱/ ۱۳۵؛ صدوق، معانی الأخبار، ۶۳؛ طبری، بشاره المصطفی لشبیعة المرتضی، ۲۷؛ قمی، الفضائل، ۵۴).
۴. کلینی، کافی، ۱/ ۳۸۹.
۵. همچون عصمت حداقلی که لازمه اساس پیامبری و وصایت است.
۶. در این باره می‌توان به آفرینش شیعیان از طینت معصومان علیهم السلام اشاره نمود (کلینی، کافی، ۱/ ۳۸۹).
۷. حسینی میلانی، محاضرات فی الاعتقادات، ۲/ ۴۸۲؛ حسینی میلانی، تفضیل الأئمة علی الأنبياء علیهم السلام، ۱۳.

نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در گستره میراث مکتوب امامی معطوف کرده است؛ زیرا:

- ۱- ساحت گزارش‌های ماثور آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میراث مکتوب امامی، از گونه‌ای همگرایی با میراث مکتوب اهل سنت برخوردار است؛^۱
- ۲- تنوع محتوایی گزارش‌های ماثور در آن میراث - چنانکه خواهد آمد - در راستای اتقان حداکثری آن‌ها محسوس است؛
- ۳- تدوین کامل^۲ و سنجش اعتبار این گزارش‌ها به‌عنوان عرصه‌ای نو شناسایی شده و کارکردهای ویژه‌ای را در ساحت رویکردهای عالمان امامی، به خویش اختصاص داده است. این تحقیق، همچنین، داده‌ها و یافته‌های خود را نخست در ساحت گزارش‌های ماثور و آنگاه در ساحت رویکرد عالمان امامی، نظام بخشیده است.

■ گزارش‌ها

گزارش‌های ماثوری که دست‌کم اصل آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پیش از آفرینش این جهانی، پوشش داده و داده‌های آن از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یا امامی معصوم، نشر یافته^۳ و امروزه حدیث نور خوانده می‌شوند،^۴ در حجم وسیعی در میراث مکتوب امامی به گونه مسند^۵ و غیر مسند (حدیث غیر مسند اصطلاحاً در دانش حدیث شناسی مرسل^۶ شمرده می‌شود) انعکاس یافته‌اند که با توجه به رویکرد این نوشتار، تنها آن بخش از این میراث

۱. ر.ک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

۲. میرحامد حسین، در عقبات الانوار، بر حسب نیاز علمی خویش، تدوینی کتاب‌شناسانه و ناقصی از طرق گزارش‌های مورد نظر در میراث مکتوب امامی ارائه نموده که در آغاز بخش گزارش‌های همین مقاله، به‌طور مختصر بدان پرداخته شده است.

۳. در دانش «مصطلح الحدیث» حدیث مرفوع نامیده شده و چنین تعریف می‌گردد: «ما أضيف إلى المعصوم من قول أو فعل أو تقرير، يأى وصل آخر السند إليه، سواء اعتراه قطع أو إرسال في سنده أم لا، فهو خلاف الموقوف» (غفاری، دراسات فی علم الدراية، ۳۷). ناگفته نماند معنای دیگری نیز از مرفوع در این دانش وجود دارد که در دسته مرسل جای دارد و استعمال این معنا در فقه رایج است؛ اگرچه اصطلاح نخست در دانش حدیث بیشتر رواج دارد (همان).

۴. میلانی، نجات الأذهار، ۲۴/۵؛ طهرانی، الذریعة، ۲۱۵/۱۵؛ عاملی، الانتصار، ۸۵/۶.

۵. سبحانی، دروس موجزة فی علمی الرجال والدراية، ۱۷۷؛ بروجردي، طرائف المقال، ۲۵۱.

۶. عاملی، الرعاية فی علم الدراية، ۱۳۶؛ جدیدی‌نژاد، معجم مصطلحات الرجال والدراية، ۱۵۵.

که به انعکاس مسند آن اهتمام ورزیده، مورد نظر قرار گرفته و به طور خاص گزینش گزارش‌های مأثور و مسند آن، در دستور کار بوده است؛ گزارش‌های مسندی که به تنهایی حجم درخوری را به خود اختصاص داده‌اند و در بسیاری از میراث‌های معتبر امامیه از سوی عالمان برجسته‌ای چون محمدون ثلاث،^۱ از سال‌های آغازین تدوین میراث‌های حدیثی، جایگاه خویش را در مجموعه میراث مکتوب امامی باز یافته‌اند.

گفتنی است در ساحت محتوای گزارش‌های گزینش‌شده، اگرچه همگی تصریح دارند و در دلالت بر آفرینش نوری آن حضرت، اصطلاحاً از نصوص به‌شمار می‌روند، تنوع محسوسی از منظر سطح پوشش در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ زیرا پاره‌ای از آن‌ها، آفرینش نوری رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پوشش می‌دهند؛ مانند: «خلقت أنا وعلی بن ابی طالب من نور واحد نسب الله یمنة العرش قبل أن یخلق آدم بألفی عام»^۲ و غالب گزارش‌های نبوی این ساحت، از این دست می‌باشند؛ تعدادی آفرینش امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در جمع خمسة طيبة معرفی می‌کنند؛ همچون: «إن الله عز و جل خلقني و علیاً و فاطمة و الحسن و الحسین قبل أن یخلق الدنيا بسبعة آلاف عام»^۳؛ برخی نیز در مجموعه کامل معصومان (علیهم السلام) انعکاس داده‌اند؛ همانند:

«والذي بعث محمداً بالحق نبياً، إن نور أبي طالب يوم القيامة لیطفئ أنوار الخلق إلا خمسة أنوار: نور محمد، و نوري، و نور فاطمة، و نوري الحسن و الحسين و من ولده من الأئمة، لأن نوره من نورنا الذي خلقه الله عز وجل من قبل خلق آدم بألفی عام»^۴

ناگفته نماند در فضای آفرینش نوری معصومان (علیهم السلام)، گزارش‌هایی نیز در پاره‌ای از جوامع حدیثی اولیه امامی یافت می‌شود که علاوه بر گویایی آن‌ها نسبت به آفرینش نوری،

۱. ر.ک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

۲. برای تعریف «نص» ر.ک: حکیم، الأصول العامة للفقهاء المقارن، ۱۰۲.

۳. ابن بابویه، علل الشرائع، ۱/ ۱۳۵.

۴. محتوای تمامی و یا دست کم اکثر قریب به اتفاق گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میراث مکتوب اهل سنت، از این دست می‌باشد (ر.ک: همین مقاله، پایان بخش گزارش‌ها).

۵. ابن بابویه، علل الشرائع، ۱/ ۲۰۹.

۶. طوسی، امالی، ۳۰۵.

داده‌هایی را از کیفیت آفرینش نوری معصومان علیهم‌السلام با عباراتی چون: «خلقنا الله من نور عظمته ثم صور خلقنا من طينة مخزونة مكنونة من تحت العرش فأسكن ذلك النور فيه» انعکاس می‌دهند^۱ که اگرچه در طبقه‌بندی مرحوم میرحامد حسین (متوفای ۱۳۶۰ هـ.ق)^۲، از زمره احادیث نور، در میراث مکتوب امامی شمرده شده‌اند،^۳ اما وقتی به احادیث نور در میراث مکتوب اهل سنت می‌پردازد، آن‌ها را کنار احادیثی همچون حدیث «شجره»، خارج از مجموعه احادیث نور لحاظ می‌کند؛ هرچند از آن‌ها به عنوان تأیید احادیث نور چشم‌پوشی نشده است.^۴ مرحوم کلینی نیز نمونه‌ای از آن‌ها را، در فضای حدیث نور سامان نداده؛ بلکه پیش از آن و در باب «خلق أبدان الأئمة وأرواحهم وقلوبهم علیهم‌السلام» از کتاب الحجة چنینش نموده است.^۵

همچنین برخی گزارش‌ها از واژه نور تهی بوده و تنها وجود امیرالمؤمنین علیه‌السلام و نیز همراهی ایشان با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از حیات این جهانی را پوشش می‌دهند؛ مانند طریق نصر بن مالک از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که با متن «كنت أنا وعلي عن يمين العرش نسيح الله قبل أن يخلق آدم بألفي عام» منعکس شده است که اگرچه میرحامد حسین، دو گزارش از این دست را در مجموعه احادیث نور جای داده است،^۶ اما به دلیل فقدان واژه نور، از ضمیمه آن‌ها در مجموعه گزارش‌های مسند آفرینش نوری اجتناب نموده‌ایم.

در مورد کتاب‌شناسی و نیز جایگاه‌شناسی این گزارش‌های مسند نیز باید گفت که در میان میراث مکتوب امامی، جوامع حدیثی اولیه، نخستین نمود شایان‌تر این گزارش‌ها بوده‌اند و به نظر می‌رسد در این میان، کهن‌ترین و معتبرترین میراث مکتوبی که امروز انعکاس بسیاری از این گزارش‌های مسند را می‌توان در آن به نظاره نشست، بصائر الدرجات اثر صفار،

۱. صفار، بصائر الدرجات، ۴۰؛ کلینی، کافی، ۳۸۹/۱.

۲. طهرانی، الذریعة، ۲۱۴/۱۵.

۳. حسینی میلانی، نفحات الأزهار، ۱۴۸/۵.

۴. همان، ۱۳۵/۵.

۵. کلینی، کافی، ۳۸۹/۱.

۶. طوسی، امالی، ۱۸۳.

۷. رک: حسینی میلانی، نفحات الأزهار، ۱۴۳/۵.

الکافی اثر کلینی و دو/مالی آثار شیخ صدوق و شیخ طوسی^۱ می‌باشند؛ اگرچه برخی از آنها در کتاب منسوب به سلیم بن قیس هلالی^۲ - از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) - و اصل ابوسعید^۳ (متوفای ۲۵۰ق)^۴ نیز یافت می‌شوند.

صفار، در قرن سوم، طریقی از آن‌ها را منعکس نمود و کلینی، در اوایل قرن چهارم، علاوه بر انعکاس طریق صفار، چهار طریق از آن‌ها را برای کتاب خویش برگزید. ابن بابویه نیز هم‌زمان با کلینی طریقی از آن را در الامامة و التبصرة، به ثبت رساند و شاید مقارن کلینی و ابن بابویه بود که ابن جریر طبری در المسترشد به ارائه طریقی نو همت نهاد. پس از ایشان، صدوق در خصال، امالی، کمال الدین، معانی الاخبار و علل الشرائع، به ارائه هشت طریق - که تنها یکی از آنها با طرق پیشین یکسان بود - پرداخت. هم‌زمان با وی خزاز، شاگرد صدوق^۵ نیز در کفایة الاثر، طریق جدیدی بر مجموعه گزارش‌های مسند فوق افزود؛ سپس ابن شاذان در مائتة منقبة و کراچی در کنز الفوائد، طریق دیگری ارائه و شیخ طوسی نیز چهار طریق را در امالی خویش بر شاگردان املا نمود که دو طریق از آن میان، منحصر به فرد بود. بالاخره طریق جدید دیگری را طبری - مؤلف بشارة المصطفی - به این مجموعه افزود^۶ که با توجه به تنوع این منابع از جهت گرایش‌های مختلف حدیثی و کلامی مؤلفان آن‌ها، می‌توان شیوع و نیز عدم اختصاص گزارش‌های آفرینش نوری را به یک منطقه جغرافیایی و یا یک گرایش خاص درون امامی، استفاده نمود. محدوده زمانی ارائه و ثبت طریق جدید تا ربع اول قرن ششم - که می‌توان از آن به دوره تولید یاد کرد - ادامه یافت و بر همین اساس به نظر می‌رسد نویسندگان امامی پس از این دوره، به انعکاس طرق پیشین

۱. رک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

۲. رک: سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ۱۹۶ و ۳۷۹.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱/ ۳۲۱.

۴. ابوسعید، «اصل ابوسعید»، مجموعه الاصول الستة عشر، ۱۵. اعتبار اصل ابوسعید نیز برای نگارنده - دست‌کم به جهت ضعف ابو سیمینه در طریق اصل مذکور - احراز نشده است (رک: نجاشی، رجال، ۲۹۳)؛ اگرچه تلاش‌هایی در راستای اعتبار آن نیز به عمل آمده است (رک: نوری، خاتمة المستدرک، ۱/ ۵۵-۵۸).

۵. بخاری، تاریخ الصغير، ۲/ ۳۶۰؛ همو، تاریخ الكبير، ۶/ ۴۴.

۶. طهرانی، الذریعة، ۱/ ۲۹۸، ۲/ ۳۱۲، ۲/ ۴۸۹ و ۱۸/ ۸۷.

۷. رک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

اكتفا نموده باشند.^۱

در مورد جایگاه شناسی و موطن این گزارش‌ها در مجموعه میراث مکتوب امامی نیز باید گفت: این گزارش‌ها - در این میراث - بیشتر در فضای فضایل نویسی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقبت نویسی،^۲ معجزه نگاری و تاریخ معصومان (علیهم السلام) و گاه نیز به گونه متفرق^۳ ارائه شده و رهیافت آن در فضاهای تخصصی دو دانش کلام^۴ و تفسیر^۵ نیز انعکاس دیگری در این میراث به شمار می‌آید.

چنان که گفته شد پس از ربع اول قرن ششم، ارائه طرق جدید از گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) متوقف گشته و روایت پاره‌ای از گزارش‌های پیشین، با همان اسناد و یا اسنادی دیگر، سهم عمده پرداخت عالمان بدان - در هفت قرن پس از آن تا اواسط قرن سیزدهم - بوده است؛ بدون آنکه تک‌نگاری را در این میراث به خود اختصاص دهد و یا دست کم همه و یا بیش تر طرق و اسناد آن، حتی در بخشی از یک میراث، جمع آوری و تدوین گردد؛ تا آنکه میرحامد حسین لکنه‌وی در راستای پاسخ علمی به تعجب ابن روزبهان از علامه حلی (مبنی بر اینکه تمام احادیثی که بدان استناد نموده از اهل سنت بوده؛ چون کتاب و عالمی در میان شیعیان یافت نمی‌شود و علامه حلی در اثبات مدعای خود عیال اهل

۱. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۱۷۱/۲؛ راوندی، الخرائج والجرائح، ۸۳۸/۲؛ ابن طاووس، البقین، ۲۲۷؛ حویزی، نور الثقلین، ۴/۴۳۹.
۲. ابن بابویه، خصال، ۶۴۰؛ عاملی نیز در راستای معناشناسی بشری بودن رسول خدا ﷺ از این گزارش‌ها بهره برده است (رک: عاملی، انتصار، ۲۲۵/۴). برای نمونه در میان اهل سنت نیز رک: صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد، ۶۹/۱.
۳. اربلی، کشف الغمة، ۲۹۲/۱؛ ابن مطهر، کشف البقین، ۱۱؛ مرعشی، شرح إحقاق الحق، ۵/۱؛ از اهل سنت نیز رک: خوارزمی، مناقب، ۱۴۵؛ ابن دمشقی، جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی (علیه السلام)، ۶۱/۱.
۴. قمی، مائة منقبة، ۱۷۴.
۵. راوندی، الخرائج والجرائح، ۸۳۸/۲.
۶. کلینی، کافی، ۴۴۰/۱.
۷. نوری، نفس الرحمن فی فضائل سلمان، ۴۳۴. وی پاره‌ای گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) را منعکس نموده است.
۸. رک: طبری، دلائل الامامة، ۵۷؛ ابن البطریق، العمدة، ۹۱؛ ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱۵.
۹. رک: فرات کوفی، تفسیر، ۵۵۲؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ۵۲۴/۲؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۲۰/۴.

سنت می‌باشد)^۱، گامی نو به این وادی نهاد و با پرداختی ستودنی، به جمع‌آوری و چینش تعدادی از گزارش‌های مأثور آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میراث مکتوب امامی دست یازید؛ اما با صرف نظر از عدم تعهد ایشان نسبت به ارائه تمامی طرق^۲ - که براساس آن عدم ارائه برخی طرق، توجیه پذیر گشته است^۳ - رویکرد غالب بر فضای آن نیز، کتاب‌شناسانه و البته غیر تام بوده است.^۴ برخی گزارش‌های آن نیز اساساً در منبع مورد نظر ایشان، مسند نبوده^۵ و گویا چنین رویکردی را نیز اساساً در نظر نداشته است. همچنین در بیشتر موارد، از اسناد و نیز گاه حتی از راوی متصل به معصوم، سخنی به میان نیامده و به عبارت «بسنده»، از آن یاد نموده است.^۶ در پاره‌ای موارد نیز طرقی را که فاقد واژه نور بوده و تنها از وجود معصومان پیش از حیات این جهانی و نه آفرینش نوری ایشان، سخن گفته‌اند، در مجموعه گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) ارائه نموده است.^۷

به نظر می‌رسد، الگو و چیدمان مناسبی در جمع و چینش گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) - در راستای تأمین پاره‌ای از غرض‌های یادشده در آغاز مقاله؛ از جمله جمع‌آوری مسانید و نیز بررسی سنجش اعتبار آن‌ها - نبوده و شیوه‌ای غیر از آنچه میرحامد حسین، ارائه نموده، ضروری می‌نماید.

برپایه آنچه گفته شد، ابتدا نگاهی آماری از دورنمای گزارش‌های مسند مورد نظر، ارائه و پس از آن به نمونه‌هایی از آن پرداخته خواهد شد.

در نگاهی آماری، داده‌های مسند به دست آمده در میراث مکتوب امامی، دست کم با هجده

۱. حسینی میلانی، نفحات الأزهار، ۵/ ۱۵۲.

۲. همان، ۵/ ۱۴۱.

۳. از جمله ایشان طریق مرازم از امام صادق (علیه السلام) را ارائه ننموده است (ر.ک: کلینی، کافی، ۱/ ۴۴۰).

۴. از بسیاری از میراث مکتوب امامی از جمله بصائر الدرجات، معانی الاخبار، کفایة الاثر، کنز الفوائد، المسترشد و بشارة المصطفی، در این مجموعه پادی نشده است.

۵. از جمله سند ابن حجام و سند فرات کوفی (میلانی، نفحات الأزهار، ۵/ ۱۴۴).

۶. همان، ۵/ ۱۴۲-۱۴۹. البته این احتمال وجود دارد که در تلخیص عیقات الانوار، اسناد حذف شده باشند.

۷. ایشان طریقی از مفضل و همچنین از محمد بن سنان ارائه نموده که از واژه نور تهی می‌باشد (همان، ۵/ ۱۴۳)؛ در صورتی که چنان که خواهد آمد، صدوق در کمال الدین، ابن شاذان در مائنه منقبة، کراجکی در کنز الفوائد و طوسی در امالی، طریق مفضل با واژه نور را گزارش کرده‌اند.

طریق مستقل از معصومان علیهم السلام قابل مشاهده است که از آن میان، طرق ابوذر،^۱ سلمان،^۲ جابر بن عبدالله،^۳ انس بن مالک،^۴ معاذ بن جبل^۵ و واثله بن أسفع^۶ به رسول خدا صلی الله علیه و آله، طریق اصبع بن نباته^۷ به امیرالمؤمنین علیه السلام، طریق عبدالله به امام مجتبی علیه السلام،^۸ طریق ابوحمزه^۹ به امام زین العابدین علیه السلام، طریق جابر بن یزید^{۱۰} به امام باقر علیه السلام، طرق محمد بن حرب هلالی،^{۱۱} فضل بن ربیع،^{۱۲} مرازم،^{۱۳} محمد بن مسلم،^{۱۴} شهاب بن عبد ربّه،^{۱۵} احمد بن علی^{۱۶} و مفضل بن عمر،^{۱۷} به امام صادق علیه السلام و طریق عیسی بن احمد^{۱۸} به امام هادی علیه السلام ختم می شود. شایان ذکر است که با توجه به حجم گسترده طرق مسند یادشده و پرهیز از طولانی شدن نوشتار، تنها پنج نمونه - که در گزینش آن ها همگرایی با میراث مکتوب اهل سنت و نیز تنوع پوششی سه گانه ای که پیش تر بدان اشاره شد، لحاظ گشته - ارائه می گردد که به ترتیب عبارتند از: سه طریق ابوذر، سلمان و معاذ از رسول خدا صلی الله علیه و آله، طریق ابوحمزه از امام سجاد علیه السلام و طریق مفضل از امام صادق علیه السلام.

۱. ابن بابویه، علل الشرائع، ۱/ ۱۳۵؛ همو، معانی الأخبار، ۵۶؛ طبری، بشارة المصطفی، ۳۶۱.
۲. طبری، المسترشد، ۶۲۹؛ راوندی، الخرائج والجرائح، ۲/ ۸۳۸؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ۱۱۶؛ ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ۹۵.
۳. طبری، بشارة المصطفی، ۲۹۲.
۴. طوسی، امالی، ۱/ ۲۰۴ و ۳۵۴.
۵. ابن بابویه، علل الشرائع، ۱/ ۲۰۹؛ طبری، نوادر المعجزات، ۸۱.
۶. خزاز، کفایة الأثر، ۱۰۹.
۷. ابن بابویه، کمال الدین، ۶۶۹.
۸. همو، خصال، ۶۴۰؛ طوسی، امالی، ۳۰۵.
۹. کلینی، کافی، ۱/ ۵۳۱؛ صدوق، کمال الدین، ۳۱۹؛ طبرسی، إعلام الوری، ۲/ ۱۷۱.
۱۰. کلینی، همان، ۱/ ۴۴۲.
۱۱. ابن بابویه، علل الشرائع، ۱/ ۱۷۴؛ صدوق، معانی الأخبار، ۳۵۱.
۱۲. طبری، دلائل الإمامة، ۵۷؛ ابن طاووس، الیقین، ۲۲۷.
۱۳. کلینی، کافی، ۱/ ۴۴۰.
۱۴. ابن بابویه، الإمامة والتبصرة، ۱۳۲.
۱۵. قمی، تفسیر، ۲/ ۲۲۸؛ حویزی، نور الثقلین، ۴/ ۴۳۹.
۱۶. کلینی، کافی، ۱/ ۴۴۲.
۱۷. صدوق، کمال الدین، ۳۳۵؛ ابن شاذان، مائة منقبة، ۱۷۴؛ کراجکی، کنز الفوائد، ۸۰؛ طوسی، امالی، ۳۰۵ و ۷۰۲.
۱۸. طوسی، امالی، ۱/ ۳۳۲.

طریق ابوذر: شیخ صدوق این گزارش را از طریق ابوذر از رسول خدا ﷺ با این متن انعکاس داده است:

«سمعت رسول الله ﷺ، وهو يقول: خلقت أنا وعلي بن أبي طالب من نور واحد نسب الله يمنة العرش قبل أن يخلق آدم بألفي عام...»^۱

طریق سلمان: ابن بطریق، با سلسلهٔ راویان خود، گزارش سلمان از رسول خدا ﷺ را در مورد آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) چنین منعکس می کند:

«كنت أنا وعلي بن نوراً بين يدي الله عز وجل، يسبح الله ذلك النور و يقده قبل أن يخلق الله آدم بألف عام»^۲.

اگر چه گزارش های نبوی و مسند آفرینش نوری رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میراث مکتوب اهل سنت - دست کم - از طریق سلمان با دو متن:

«كنت أنا وعلي بن نوراً بين يدي الله عز وجل قبل أن يخلق آدم بأربعة عشر ألف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلك النور جزئين؛ فجزء أنا و جزء علي»^۳ و «كنت أنا وعلي بن نوراً بين يدي الله مطبعا يسبح الله ذلك النور و يقده قبل أن يخلق آدم بأربعة عشر ألف عام فلما خلق الله آدم، ركز ذلك النور في صلبه فلم نزل في شيء واحد حتى افترقنا في صلب عبد المطلب فجزء أنا و جزء علي»^۴.

و از طریق ابوذر با متن: «خلقت أنا وعلي من نور واحد و كنا عن يمين العرش قبل أن يخلق الله آدم بألفي عام»^۵ و از طریق ابن عباس با محتوایی مشابه انعکاس یافته^۶ و عالمان

۱. ابن بابويه، علل الشرائع، ۱/ ۱۳۴.

۲. طبری، المسترشد، ۶۲۹؛ راوندی، الخرائج والجرائح، ۲/ ۸۳۸؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ۱۱۶؛ ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ۹۵.

۳. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۲/ ۶۶۲؛ ابن شهر دار، الفردوس بمأثور الخطاب، ۳/ ۲۸۳؛ خوارزمی، مناقب، ۱۴۵؛ ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، ۴۲/ ۶۷؛ عاصمی، سمط النجوم العوالي، ۳/ ۶۷.

۴. ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، ۴۲/ ۶۷.

۵. ابن جوزی، موضوعات، ۱/ ۳۴۰.

۶. ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، ۴۲/ ۶۷.

۷. میرحامد حسین، هشت طریق از اهل سنت به همراه کتابشناسی آن ارائه کرده است (رک: میلانی، نفحات الأزهار، ۱۹/ ۵-۲۴). عاملی نیز ده کتاب از اهل سنت را در این باره برشمرده است (عاملی، انتصار، ۶/ ۸۵).

معدودی از اینان بر پایه این گزارش‌ها، اقرب الناس بودن امیرالمؤمنین (علیه السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مطرح کرده‌اند،^۱ اما عالمان اهل سنت معمولاً رویکرد شایسته‌ای به آن‌ها نداشته و حتی برخی مانند: ابن جوزی،^۲ ابن روزبهان،^۳ ذهبی،^۴ شوکانی^۵ و دهلوی^۶ رویکردی انتقادی به این گزارش‌ها از خود به ثبت رسانده‌اند و چالش‌های علمی آن نیز از سوی عالمان امامی ارائه گردیده است.^۷

طریق معاذ بن جبل: شیخ صدوق با سلسلهٔ راویان خود این گزارش را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به واسطهٔ معاذ بن جبل - که در آن از داده‌های خردتر آفرینش نوری نیز سخن به میان آمده است - چنین انعکاس داده است:

«إن الله عز وجل خلقني وعلياً وفاطمة والحسن والحسين قبل أن يخلق الدنيا بسبعة آلاف عام. قلت فأين كنتم يا رسول؟ قال: قدام العرش نسبَّ الله تعالى ونحمده ونقدسه ونمجده.
قلت: على أي مثال؟ قال: أشباح نور حتى إذا أراد الله عز وجل أن يخلق صورنا صيرنا عمود نور»^۸

طریق ابی حمزه: کلینی (علیه السلام) صدوق (علیه السلام) و طبرسی این گزارش را با سلسلهٔ کامل راویان از طریق ابوحمزه از امام سجاد (علیه السلام) با این متن انعکاس داده‌اند:

«إن الله خلق محمداً وعلياً وأحد عشر من ولده من نور عظمتة، فأقامهم

۱. خوارزمی، مناقب، ۱۴۵؛ ابن دمشقی، جواهر المطالب، ۶۱/۱.

۲. ابن جوزی، موضوعات، ۱۴/۱.

۳. حسینی میلانی، نفحات الأزهار، ۱۶۴/۵.

۴. ذهبی، میزان الاعتدال، ۵۲۳/۴.

۵. شوکانی، فوائده المجموعه، ۳۶۸. عبدالرحمن عوض، محقق کتاب شوکانی نیز از گزارش‌های مأثور آفرینش نوری با عباراتی چون «فکره مسیحیه» - و اینکه مسیحیت نیز در این اندیشه، وامدار ادیان وثنی است - یاد نموده و آنها را با آیاتی که بشری بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را با گونه‌ای حصر بیان می‌نمایند، در تعارض یافته است (همان).

۶. حسینی میلانی، نفحات الأزهار، ۱۳/۵ و ۱۴.

۷. جلد پنجم نفحات الأزهار، نمونه‌ای است که تلاش عالمانه میرحامد حسین در پاسخ به این رویکرد را بازگو می‌کند.

۸. ابن بابویه، علل الشرائع، ۲۰۹/۱.

أشباحا في ضياء نوره يعبدونه قبل خلق الخلق، يسبحون الله ويقدمونه
وهم الأئمة من ولد رسول الله ﷺ»^۱.

طریق مفضل بن عمر: شیخ طوسی این گزارش مسند را با ذکر سلسله راویان به واسطه مفضل
از امام صادق (علیه السلام) و آن حضرت از پدر و اجداد معصومش (علیهم السلام) و در نهایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام)
چنین منعکس می نماید:

«والذي بعث محمداً ﷺ، إن نور أبي طالب يوم القيامة ليطفئ أنوار الخلق
إلا خمسة أنوار: نور محمد ﷺ و نوري و نور فاطمة و نور الحسن و
الحسين و من ولده من الأئمة، لأن نوره من نورنا الذي خلقه الله (تعالى)
من قبل أن يخلق آدم بألفي عام»^۲.

توجه به این نکته خالی از لطف نخواهد بود که عددهای موجود در برخی گزارش های
آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) - که از هزار سال^۳ تا چهارده هزار سال^۴ پیش از آفرینش
آدم را نشان می دهند - از منظر ادبی تاب حمل بر معنای کثرت و فقدان خصوصیت عددی
را دارا هستند؛ چنانکه امروزه نیز در فضای محاورات، چنین منطقی بسیار رواج دارد.

در پایان بخش گزارش ها در مورد سنجش گزارش های منعکس در میراث مکتوب امامی
هم باید بگوییم که بر پایه دانش حدیث شناسی در سنجش اعتبار گزارش ها، حدیثی این
چنین که هجده طریق را در طبقه نخست و نیز وفور راویان را در سایر طبقات به سامان
رسانده باشد، همچون حدیث غدیر^۵، در والاترین گونه حدیثی طبقه بندی می گردد و قطعیت
صدور آن از معصوم - و نه یک معصوم خاص - را نتیجه می دهد و در اصطلاح این دانش،
متواتر معنوی خوانده می شود^۶ و بدین جهت از بررسی توثیق و تضعیف راویان بی نیاز است؛

۱. کلینی، کافی، ۱/ ۵۳۱؛ ابن بابویه، کمال الدین، ۳۱۹؛ طبرسی، إعلام الوری، ۲/ ۱۷۱.

۲. طوسی، امالی، ۷۰۲.

۳. ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ۹۵.

۴. کلینی، کافی، ۱/ ۴۴۲.

۵. مفید، رساله فی معنی المولی، ۸؛ موسوی هندی، افحام الأعداء والخصوم، ۱۹. در میان عالمان اهل سنت، محمد
جعفر الکتانی نیز حدیث غدیر را متواتر معرفی نموده است (کتانی، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، ۱۹۴).

۶. مامقانی، مقیاس الهدایة، ۸۰/۱.

زیرا فراوانی راویان که عامل کمی بسیار مهمی در گونه متواتر است، نشان دهنده قطعیت و یا دست کم اطمینان به صدور و نوعی استحاله تواطؤ و توافق بر کذب است.

■ رویکرد عالمان امامی

علاوه بر انعکاس گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میراث مکتوب امامی، رویکردهای عالمان امامی نیز به این گزارش‌ها درخور توجه است. این رویکرد که همواره اثباتی بوده و به نظر می‌رسد با فراغت از اعتماد وثیق سندی صورت پذیرفته باشد، بیشتر در قالب کارکردهای تاریخی، تفسیری و کلامی رخ نمایانده است.

کارکرد تاریخی

این کارکرد که می‌توان آن را از منظر کمی کارکرد شایعی از احادیث نور در رویکرد عالمان امامی دانست - و حتی به نظر می‌رسد کارکرد رایج پاره‌ای از این گزارش‌ها در میراث مکتوب اهل سنت نیز ارائه بخشی از تاریخ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باشد^۱ - در پرداخت تاریخی به زندگانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یا معصومین (علیهم السلام) به عنوان بخشی از تاریخ، نمود می‌یابد. کلینی (رحمه الله) آن را با عنوان «ابواب التاریخ» در کتاب کافی انعکاس داده است.^۲ همچنین پاره‌ای از این گزارش‌ها، ماده‌ای برای تاریخ نگاری به شمار رفته است؛^۳ همچنان که حلبی^۴ کارکرد این چنینی را برای گزارش‌های آفرینش نوری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ثبت رسانده و تاریخ‌نگارانی چون طبری،^۵ مسعودی^۶ و ابن اثیر،^۷ از وقایع مربوط به پیش از آفرینش آدم (علیه السلام) به عنوان ماده

۱. ابن حنبل، فضائل الصحابة، ۲/ ۶۶۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۴۲/ ۶۷؛ عاصمی، سمط النجوم العوالی، ۳/ ۶۷؛ عجلونی، کشف الخفاء، ۲/ ۱۳۰.

۲. کلینی، کافی، ۱/ ۴۴۰.

۳. همان.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ۱/ ۲۷.

۵. حلبی، سیرة الحلبيه، ۱/ ۴۸.

۶. نک: طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۱/ ۲۱.

۷. مسعودی، مروج الذهب، ۱/ ۳۸.

۸. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱/ ۱۶.

تاریخی در تاریخ‌نگاری خویش بهره برده‌اند.

کارکرد کلامی

این کارکرد، در محدوده میراث مکتوب کلام امامیه - در ساحت کلام نقلی - با توجه به انعکاس برخی طرق آن در میراث مکتوب اهل سنت و عمدتاً در راستای اثبات برخی باورهای مربوط به ساحت امامت مانند: افضلیت همگانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، شایستگی جانشینی بلافصل آن حضرت،^۲ الهی بودن مسئله امامت،^۳ ثبوت امامت الهی بلافصل برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) از راه ملازمه اعلمیت، افضلیت و عصمت با امامت^۴ و حتی به جهت ذیل برخی گزارش‌های آفرینش نوری، در وصایت پیش از عالم،^۵ رخ نمایانده است. بر پایه کاوش‌های ما، طرق و اسناد ارائه شده، منحصر و یا دست‌کم با تأکید بر میراث اهل سنت و در راستای استناد فرا مذهبی، گزینش و ارائه شده است و به نظر می‌رسد علاوه بر گویایی منطقی آن در ساحت کلام، بن‌مایه‌های خود را از احتجاج کلامی برخی امامان معصوم (علیهم السلام) در برتری امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر خلفا،^۶ دریافت کرده است.

در میان متکلمان امامی، می‌توان به علامه حلی اشاره نمود؛ وی در پرداخت به امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از طرح مستندهای عقلی مسأله و نیز ارائه آیات هشتاد و چهارگانه قرآنی، آنگاه که به بخش «تعیین إمامة علی (علیه السلام) بالسنة» می‌رسد، نخستین داده‌های خود را در این ساحت، به گزارش‌های آفرینش نوری آن حضرت اختصاص می‌دهد و کارکردی در راستای تعیین امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌بیند.^۸ سید هاشم بحرانی در کنار کارکرد کلامی

۱. عاملی، انتصار، ۸۵/۶.

۲. ابن جبر، نهج الإیمان، ۳۹۲.

۳. بحرانی، غایة المرام، ۱۱۳/۱؛ میلانی، الشوری فی الإمامة، ۹؛ میلانی، محاضرات فی الاعتقادات، ۵۲۷/۲.

۴. حسینی میلانی، الشوری فی الإمامة، ۹.

۵. همو، نفحات الأزهار، ۱۱/۵.

۶. همو، الشوری فی الإمامة، ۱۰.

۷. کلینی، کافی، ۴۴۲/۱؛ ابن بابویه، علل الشرائع، ۱۷۴/۱؛ صدوق، معانی الأخبار، ۳۵۱؛ فرات کوفی، تفسیر،

۲۵۵؛ طوسی، امالی، ۵۰۳.

۸. ابن مطهر، نهج الحق وکشف الصدق، ۲۱۲؛ مرعشی، شرح احقاق الحق، ۳۹۰/۷.

مربوط به مباحث امامت،^۱ با استفاده از طفیلی بودن آفرینش سایر موجودات در نسبت با خمسه طویه، از گزارش‌های مورد نظر^۲ کارکردی هستی‌شناسانه نیز از گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ثبت رسانده‌است.

کارکرد تفسیری

جلوه‌گاه کارکرد تفسیری گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در تفسیرنگاری عالمان امامی، درخور توجه است. برخی از اینان، ذیل بعضی آیات با ضمیمه ساختن پاره‌ای گزارش‌های مأثور آفرینش نوری رسول خدا و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، کارکردی تفسیری را نمایان ساخته‌اند؛ از جمله آنگاه که در واکاوی سبب نزولی برآمده‌اند^۳ یا آنگاه که در تأویل آیاتی کوشیده‌اند^۴ و یا آن زمان که در فضای کاوش مصداق بارزی به سر برده‌اند،^۵ توجه خویش را به این سنخ گزارش‌ها، معطوف داشته‌اند.

تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی - مفسر برجسته امامی در سده چهارم هجری - نمونه مناسبی برای کارکرد تفسیری است؛ وی کارکرد نخست تفسیری را در این اثر از خود به ثبت رسانده است.^۶ مؤلف ذیل آیه‌های ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ﴾^۷ در بیان چرایی سبب نزول این آیه در مورد عمرو بن حارث فهری، پس از اعلان امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در غدیر، آفرینش نوری آن حضرت را محور کذاب و ساحر خواندن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از سوی وی - که به بدفرجامی سخت وی و همراهانش انجامید - معرفی می‌کند؛ زیرا آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از آفرینش نوری امیرالمؤمنین (علیه السلام) و همراهی خویش در آفرینش نوری با آن حضرت این گونه یاد نمود: «لَقَدْ خَلَقْنَا اللَّهَ نُورًا تَحْتَ الْعَرْشِ»

۱. بحرانی، غایة المرام، ۱/۱۱۳.

۲. همان، ۱/۲۷.

۳. فرات کوفی، تفسیر، ۵۰۴.

۴. حسینی، تأویل الآیات، ۱/۲۸۸ و ۲/۵۹۲. ابن عربی نیز در میان مفسران اهل سنت در تفسیر ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ اِثْمَةً يَهُودٍ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء/۷۳) گزارش آفرینش نوری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به عنوان احتمالی در تأویل ابراهیمی بودن امامان (علیهم السلام) مطرح نموده است (ابن عربی، تفسیر، ۲/۴۱).

۵. مثلاً رک: مشهدی، کنز الدقائق، ۲/۵۲۴.

۶. فرات کوفی، تفسیر، ۵۰۵.

۷. معارج/ ۳-۱.

قرآن کریم

ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاريخ*، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ق.
ابن بابویه، علی بن حسین، *الامامة و التبصرة من الحيرة*، تحقیق مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، اول، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.

ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، تحقیق مالک محمودی، اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷ق.
_____ العمدة، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ق.

ابن جبر، علی بن یوسف، *نهج الإیمان*، تحقیق سید احمد حسینی، اول، قم، مجتمع إمام هادی علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، *الموضوعات*، تحقیق عبد الرحمن محمد عثمان، اول، مدینه، المكتبة السلفية، ۱۳۸۶ق.

ابن حنبل، احمد بن محمد، *فضائل الصحابة*، تحقیق وصی الله محمد عباس، اول، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ق.
ابن داود، حسن بن علی، *رجال*، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، منشورات مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
ابن دمشقی، محمد بن احمد، *جواهر المطالب فی مناقب الامام علی علیه السلام*، تحقیق محمد باقر محمودی، اول، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۵ق.

ابن سلامة، محمد، *مسند الشهاب*، تحقیق حمدي عبد المجيد السلفی، اول، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
ابن شاذان، محمد بن احمد، *مائه منقبة*، تحقیق مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، اشرف سید محمد باقر موحد ابطحي، اول، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.

ابن شهردار، شیرویه بن شهردار (الکيا)، *الفردوس بمأثور الخطاب*، تحقیق سعید بن بسینی زغلول، اول، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۶ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبي طالب*، تصحیح وشرح لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.

ابن طاووس، علی بن موسی حلی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، اول، قم، چاپخانه خیام، ۱۳۹۹ق.
_____، *الیقین*، تحقیق: انصاری، اول، قم، ناشر: مؤسسة دار الكتاب، ۱۴۱۳ق.

ابن عربی، محمد بن علی، *تفسیر ابن عربی*، تحقیق عبد الوارث محمد علی، اول، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله، *تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل*، تحقیق محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، بیروت، دار الفكر، ۱۹۹۵م.

ابن قتال، محمد، *روضة الواعظین*، قم، منشورات الشریف الرضی، بی تا.
ابن مردویه، احمد بن موسی، *مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام وما نزل من القرآن فی علی علیه السلام*، دوم، دار الحديث، ۱۴۲۴ق.

ابوسعید، عباد بن یعقوب عصفری، *اصل ابی سعید*، (چاپ شده در مجموعه *الأصول الستة عشر*)، دوم، ۱۴۰۵ق.

ابویعلی، احمد بن علی، *مسند ابی یعلی*، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث، بی تا.

اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، دوم، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۵ق.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام*، تحقیق سید علی عاشور، بی جا، بی تا، بی نا.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *التاريخ الصغير*، تحقیق محمود إبراهيم زاید، اول، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.

- _____، *التاریخ الكبير، دیاربکر ترکیه، المكتبة الاسلامية، بی تا.*
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن، تحقیق سید جلال الدین حسینی، طهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.*
- بروجردی، سید علی، *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، اول، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامة، ۱۴۱۰ ق.*
- حسینی، سید شرف الدین علی، *تأویل الایات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، اول، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ ق.*
- حسینی میلانی، سید علی، *تفضیل الأئمة علی الأنبياء علیهم السلام، اول، قم، مرکز الأبحاث العقائدية، ۱۴۲۱ ق.*
- _____، *الشورى فی الإمامة، اول، قم، مرکز الأبحاث العقائدية، ۱۴۲۱ ق.*
- _____، *محاضرات فی الاعتقادات، اول، قم، مرکز الأبحاث العقائدية، ۱۴۲۱ ق.*
- _____، *نفحات الأزهار فی خلاصة عقبات الأنوار، اول، بی جا، چاپخانه مهر، ۱۴۱۴ ق.*
- حکیم، سید محمد تقی، *الأصول العامة للفقہ المقارن، چ دوم، بی جا، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۹۷۹ م.*
- حلبی، علی بن ابراهیم، *السيرة الحلیية (انسان العیون فی سيرة الأمين المأمون)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۰ ق.*
- حلی، حسن بن سلیمان، *المختصر، تحقیق سید علی اشرف، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۴۲۴ ق.*
- _____، *مختصر بصائر الدرجات، اول، نجف، المطبعة الحیدریة، بی تا.*
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *كشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنین، تحقیق حسین درگاهی و حسن حسین آبادی، اول، بی جا، بی نا، ۱۴۱۱ ق.*
- _____، *نهج الحق و كشف الصدق، قم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۲۱ ق.*
- حویزی، عبدعلی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.*
- خزازی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.*
- خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الكبرى، چهارم، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ ق.*
- خواجهنوی مازندرانی، محمد اسماعیل بن حسین، *جامع الثقات، تحقیق سید مهدی رجائی، اول، بی جا، بی نا، ۱۴۱۸ ق.*
- خوارزمی، موفق بن احمد، *المناقب، تحقیق مالک محمودی، دوم، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۴ ق.*
- جدیدی نژاد، محمدرضا، *معجم مصطلحات الرجال والدراية، دوم، قم، دار الحديث للطباعة والنشر، ۱۴۲۴ ق.*
- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، اول، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ ق.*
- راوندی، سعید بن هبة الله، *الخراج والخراج، تحقیق مؤسسة الإمام المهدی علیه السلام با اشرف محمد باقر موحد ابطحی، اول، قم، مؤسسة الإمام المهدی، ۱۴۰۹ ق.*
- ری شهری، محمد، *الحج والعمرة فی الكتاب والسنة، اول، قم، دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.*
- سبحانی، جعفر، *دروس موجزة فی علمی الرجال والدراية، بی نا، نشر المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، بی تا.*
- شوکانی، محمد بن علی، *الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة، تحقیق عبدالرحمن عوض، اول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق.*

صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سيرة خير العباد، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأموال، اول، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.

_____ الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ق.

_____ علل الشرائع، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها، ۱۳۸۵ق.

_____ فضائل الشيعة، تهران، كانون انتشارات عابدی، بی تا.

_____ کمال الدین وتمام النعمة، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۵ق.

_____ معانی الأخبار، اول، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۳ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحیح حسن کوچه باغی، طهران، منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ق.

طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین، ۱۳۷۴ش.

طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدة عبد المجید السلفی، دوم، بی جا، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر الخراسانی، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث، اول، قم، ۱۴۱۷ق.

طبرسی، علی، مشکاة الأنوار، تحقیق مهدی هوشمند، اول، بی جا، دار الحديث، ۱۴۱۸ق.

طبرسی، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق نخبة من العلماء الأجلاء، چهارم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

طبری، محمد بن جریر بن رستم دلائل الامامة، تحقیق مؤسسة البعثة، اول، قم، ۱۴۱۳ق.

_____ المسترشد فی امامة أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (علیه السلام)، تحقیق احمد محمودی، اول، قم، الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۵ق.

طبری، نواذر المعجزات، تحقیق : مؤسسة الإمام المهدي (علیه السلام)، اول، قم، مؤسسة الإمام المهدي (علیه السلام)، ۱۴۱۰ق.

طبری، بشارة المصطفی لشيعية المرتضى، تحقیق جواد قیومی، اول، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۲۰ق.

طوسی، محمد بن حسن، الأموال، اول، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

_____ اختيار معرفة الرجال (معروف برجال الكشي)، تحقیق میر داماد استرآبادی و سید مهدی رجائی، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.

طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الى تصانیف الشيعة، سوم، بیروت، دار الاضواء، بی تا.

طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، پانزدهم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.

عاصمی، عبد الملک بن حسین مکی، سبط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.

عاملی، الانتصار، اول، دار السيرة، بیروت، ۱۴۲۲ق.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الرعاية فی علم الدراية، تحقیق عبد الحسین محمد علی بقال، دوم، قم، مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.

عجلونی، اسماعیل بن محمد، كشف الخفاء، دوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

غفاری، علی اکبر، دراسات فی علم الدراية تلخیص مقياس الهداية، اول، تهران، جامعة الإمام الصادق (علیه السلام)، ۱۳۶۹ش.

Light Increase of the Commander of the Faithful (pbuh) In the written heritage of Imamiyah

Muhammad Kermani Kajour- Rasoul Chegini

Light increase of the Commander of the Faithful (pbuh), which is qualitatively of the kind and accompanied by the Holy Prophet's light increase, is among the usages of the term "light" in the Islamic written heritage. Data for this have been presented in the two large scale fields of reports and its scholars' approaches. Reports concerning this point- also well-known as the hadith of light- may be seen in many authentic written Imami texts (though their authors followed various hadith and theological movements). Documents for this hadith may be traced back, through eighteen ways, to the Holy Prophet (PBUH) and some Infallible Imams, and according to the criteria to evaluate authenticity of a hadith, this one is classified under the most authentic ones, "hadiths with a successive chain of narrators". In the Imami scholars' approach to the above-mentioned heritage, in addition to agreement with reports, some functions of it have been recorded among which we may mention historical, theological, and interpretive ones.

Keywords: light, Imami, the Commander of the Faithful, light creation, written heritage